معرفی کتاب

درباره کتاب «مردان قدرت‌طلب»

زبردستان و زیردستان با هم چه می‌کنند؟

شریف شیرزاد

کارل اشمیت، فیلسوف سیاسی آلمانی، که از نظریه پردازهای فاشیسم بود، در آغاز اثر مشهور خودش، «الهیات سیاسی»، نوشته است: «حاکمْ آن کسی است که در وضعیت استثنایی تصمیم می‌گیرد.» سیاست هم عبارت است از همین تصمیم‌گیری که یک نفر به نام همگان انجام می‌دهد. به طورقطع بسیاری از ما نمی خواهیم این حکم را تجویزی و متضمنِ «باید» در نظر بگیریم، اما در این هم داستانیم که همین الان در برخی سرزمین ها و حوزه ها همچنین «است». جدا از دیکتاتورها که نماد آشکار این نوع سیاست ورزی هستند، خیلی از مردان سیاست هم، کمابیش، این شیوه را می پسندند؛ این ها، اگر آب ببینند، نشان خواهند داد که شناگر قابلی هستند. اگر کیم جونگ اون بالفعل دیکتاتور است، شی جین پینگ و دونالد ترامپ هم بالقوه می توانند باشند. اما، در زمانه‌ای که ظاهرا دموکراسی و ـ به تبع آن ـ تفکیک قوا ورد زبان ها و نقل محافل است و رسانه ـ رکن چهارم ـ از هر وقتی بیشتر، چنین چیزی چطور ممکن می شود؟ لابد یک چیزی سر جای خودش نیست و یک جای کار می لنگد که هنوز اندکی دیکته می‌کنند و بسیاری می نویسند. با این همه، خوشبختانه، همچنان، گاهی، می شود از اوضاع جهان بوی بهبود شنید، نشان به آن نشان که زین العابدین بن علی و حسنی مبارک و علی عبدا... صالح دیگر قدرتی ندارند.

•

کتاب «مردان قدرت طلب» به همین مسائل اختصاص دارد. مؤلف این اثر، خانم روت بن‌گیات، مورخ و منتقد فرهنگی آمریکایی، در این کتاب، چنان‌که عنوان فرعی آن نشان می‌دهد، تلاش کرده است با تکیه بر منابع دست اول به سه پرسش درباره این رهبران پاسخ بدهد: چگونه ظهور می‌کنند؟ چرا موفق می شوند؟ چگونه سقوط می‌کنند؟ نویسنده، که استاد تاریخ و مطالعات ایتالیایی در دانشگاه نیویورک است، منشأ رفتارهای پیشوایانِ سیاسیِ سلطه جوی امروز را استبدادِ برآمده در دهه ۱۹۲۰ـ و به ویژه فاشیسمِ بنیتو موسولینی در کشور چکمه‌ای ـ می داند، و «یک سده استبداد و خودکامگی در اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی و آفریقا را در قالب حکومت افرادی [...] که به نام برقراری نظم و قانون به قدرت رسیدند، و همین قدرت بعدا باعث شد [...] دست به قانون شکنی بزنند» بررسی می‌کند. سیلویو برلوسکونی (نخست وزیر فاسد ایتالیا) و دونالد ترامپ (رئیس جمهور هوچی آمریکا) و ژائیر بولسونارو (رئیس جمهور تندروِ برزیل) و عیدی امین (دیکتاتور نظامی اوگاندا) از جمله سوژه های بن‌گیات در این کتاب هستند. البته این نویسنده، در کتاب خودش، تنها به بررسی شعارها و تبلیغات و فساد و خشونتِ شخصِ حاکم اکتفا نکرده و به روش ها و ابزارهای مردم برای رویارویی با او و شیوه های حکمرانی اش هم پرداخته است، آن هم اغلب در قالبی داستان وار که کارش را خواندنی تر می‌کند.

•

کتاب «مردان قدرت طلب: چگونه ظهور می کنند، چرا موفق می شوند و چگونه سقوط می‌کنند؟»، نوشته روت بن گیات، را فاطمه شاداب به فارسی برگردانده و نشر «ققنوس» در ۳۶۰ صفحه با جلد سخت و به قیمت ۳۲۰ هزار تومان چاپ و منتشر کرده است. در بخشی از این اثر، می خوانیم: «روز ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱، قذافی، به امید اینکه از چشم دشمنانش دور بماند، داخل کانال فاضلابی پنهان شد. انقلاب لیبی هشت ماه پیش‌تر از آن آغاز شده و بهار عربی، که در مصر به برکناری حسنی مبارک و در تونس به سرنگونی زین العابدین بن علی منجر شده بود، به آن دامن زده بود. قذافی هیچ‌گاه باور نمی‌کرد که نفر بعدی خودش باشد؛ مردم او دوستش داشتند: او بالاترین تولید ناخالص داخلی سرانه و بالاترین امید به زندگی در آفریقا را به آن ها پیشکش کرده بود و با حاکمان دیگر فرق می‌کرد. [...] اما، از نظرِ ارتشِ آزادیِ بخشِ ملی که بازویِ نظامیِ دولتِ موقتِ شورای ملیِ انتقالیِ لیبی به شمار می آمد و در پی قذافی بود، هزینه های چهل ودو سال حکومت وحشت از تمام مواهب مادی‌ای که او به مردم ارزانی داشته بود فراتر رفته بود: لیبیایی ها از آزادی محروم بودند که از همه چیز مهم تر بود. از نظر شورشیانی که قذافی را در مخفیگاهش به دام انداختند، دوران قذافی مدت ها پیش به سر آمده بود.»

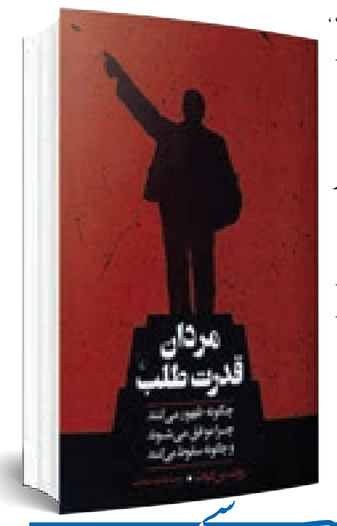

زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

ناویراسته ✗

آغاز اردیبهشت هم با نام سعدی پیوند دارد هم ملک الشعرای بهار...

ویراسته ✓

آغاز اردیبهشت، هم با نام سعدی پیوند دارد هم ملک الشعرا بهار...

نکته

برخی به اشتباه «ملک الشعرای بهار» می نویسند؛ درحالی که، ملک الشعرا بدل است و باید ساکن نوشته شود. مانند «امام حسن (ع)» که میم در آن ساکن است و امام حسن خوانده نمی‌شود، «خواجه نصیرالدین» که «ه» در آن ساکن است و خواجه خوانده نمی‌شود.

دیدگاه دکتر محمد معین: زنده یاد دکتر معین در کتاب «اضافه» می نویسد: بدان که مشابه مضاف و مضاف الیه ترکیب بدل و مبدل است. در این صورت حرف آخر اسم اول را مکسور نخوانند.

#زین_قند_پارسی

دکتر محمد معین از نگاه بزرگان به مناسبت زادروزش

نامش زنده است تا زبان فارسی زنده است

خادم

یادبود

دهخدا و نیما یوشیج هیچ یک آدمی امین‌تر، باسوادتر و دقیق‌تر از دکتر محمد معین پیدا نکردند که میراث همه عمرشان را به او بسپارند. برای درک اهمیت دکتر معین همین دو وصیت همه چیز را می‌گوید. دهخدا در تاریخ دهم آبان ۱۳۳۳ در وصیت نامه اش نوشته: «به ورثه خود وصیت می‌کنم که تمام فیش های چاپ نشده لغت نامه را که ظاهرا بیش از یک میلیون است، از الف تا یاء نوشته شده و یقینا یک کلمه دیگر بر آن نمی توان افزود، به عزیزترین دوستان من آقای دکتر معین بدهند که مثل سابق به چاپ برسد و این زحمتی است جانکاه که اقلا معادل نصف تألیف است.»

نیما، پدر شعر نو فارسی هم در وصیتی که تلخی می زند نوشته است: «امشب فکر می‌کردم با این گذران کثیف که من داشته ام - بزرگی که فقیر و ذلیل می شود حقیقتا جای تحسر است، فکر می‌کردم برای دکتر حسین مفتاح چیزی بنویسم که وصیت نامه من باشد به این نحو که بعد از من هیچ‌کس حق دست زدن به آثار مرا ندارد به جز دکتر محمد معین. اگرچه او مخالف ذوق من باشد. دکتر محمد معین حق دارد در آثار من کنجکاوی کند ضمنا دکتر ابوالقاسم جنتی عطائی و آل احمد با او باشند به شرطی که هر دو با هم باشند. ولی هیچ یک از کسانی که به پیروی از من شعر صادر فرموده اند در کار نباشند. دکتر محمد معین مَثَل صحیح علم و دانش است. کاغذ پاره های مرا باز کند. دکتر محمد معین که هنوز او را ندیده ام مثل کسی است که او را دیده ام. اگر شرعا می توانم قیم برای ولد خود داشته باشم دکتر محمد معین قیم است. ولو اینکه او شعر مرا دوست نداشته باشد. اما ما در زمانی هستیم که ممکن است همه این اشخاص نام برده از هم بدشان بیاید و چقدر بیچاره است انسان!...»

محمد معین آثار مهم و بسیاری از خود برجای گذاشت، اما مهم‌ترین و البته مشهورترین کارش، فرهنگ فارسی معین است. اثری که باعث شده دکتر عباس زریاب خویی بگوید تا وقتی فارسی زنده است نام محمد معین هم زنده است. و سید جعفر شهیدی درباره اش گفته است: «کدام یک از شما هست که در نوبت نایستاده برای آنکه فرهنگ دکتر معین را بگیرد؟ خود من یکی از آن هایی هستم که در نوبت ایستاده ام و برای اینکه می خواستم یک دوره از فرهنگ دکتر معین را چند وقت پیش به یکی از استادان اهدا کنم، گفتند ۸ ماه یا ۱۰ ماه دیگر باید صبر کنید.»

به مناسبت زادروزش، بخشی از سخنان هم عصران و دوستان و شاگردانش را که سبب شناخت بیشتر او می شود مرور کرده ایم.

اولین جلســه دفاع از دکتری ادبیــات در ایران و گریه پورداوود

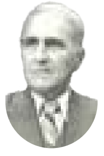

نخستین یادنامه در ایران را دکتر محمد معین برای ابراهیم پورداوود و به مناسبت شصت سالگی او منتشر می‌کند. معین از شاگردان پورداوود بود و نخستین کسی بود که جلسه دفاع از دکتری او در ایران برگزار شد. مرتضی صراف در مقاله ای با عنوان «اولین یادنامه در زبان فارسی» نوشته است: «پورداوود پس از پایان جلسه دفاع دکتری شادروان معین که برای اولین بار در ایران برگزار شد سخت به گریه افتاد، آن چنان‌که تاب و یاری خودنگهداری را از دست بداد، گریه ای که در آن هنگام از روی شوق و شعف بود و اینکه می دید بالاخره توانسته است از زحمات شصت ساله خود نهالی تربیت کند که باعث افتخار فرهنگ و ادب این مملکت باشد.»

معین قوه جاذبه داشت

محمدعلی جمالزاده که پدرداستان کوتاه فارسی است و با دکتر معین مراوده و مرافقتی داشته اند در شماره ششم مجله یغما در شهریور سال ۱۳۵۰ نوشته است: «همه می دانیم که مردم دو دسته اند. گروهی مانند الکتریک مثبت قوه جاذبه ای دارند که همچنان که کهربا کاه را جذب می‌کند و می رباید دوستان بر آن ها می جوشند و در صورتی که مردم دیگری را می شناسیم که دارای قوه منفی هستند، چنان‌که پنداری مانند خارپشت وجودشان آزاردهنده و ناهموار است و اشخاص را می‌گریزانند. دکتر معین از نمونه های بارز گروه نخستین بود و جوشش داشت و جاذب بود و چون محبت بخش بود محور محبت و علاقه واقع می‌گردید.»

همه جا آموزنده بود و آموزگار

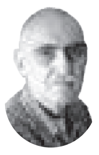

ایرج افشار در خاطرات سفرش به ژاپن که در کتابی با عنوان «قلم اندازهای سفر ژاپون» آمده درباره محمد معین آورده است: «زندگی معین سراسر با سختی و سخت کوشی گذشت و عبرت آموز بود. دوران جوانی اش بی یاور بود. در فراگرفتن دانش رنج بر خود هموار کرد. چون بالیده شد و به فنون ادب آراسته آمد در دانشگاه تهران میدان خدمت بر او گشاده بود. به ذوق و شوقی که در نهادش بود راه هایی جدید به جانب تحقیق پویید. نخستین ایرانی بود که توانست درجه دکترای ادبیات فارسی بگیرد و از همراهان خود پیش افتد. پس از آن دست از کار نکشید. چه دلیرتر شده بود و در کار خود پویاتر و استوارتر. [...] معین همه جا آموزنده بود و آموزگار، هر وقت از او پرسش می شد، هر چه می دانست می آموخت و هر وقت مطلبی تازه می شنید فوری برروی «فیش» یادداشت می‌کرد و می آموخت. [...] معین می دید که دوستان هم سن و همکارش در پهنه سیاست و اجتماع و احراز مقامات اداری و کشوری به نام رسیده اند و در طلب نان بیشتر به هر در می روند و آینده ای روشن تر را در افق های تاریک سیاست و جامعه جست وجو می‌کنند. اما او دل بدان خوش کرده بود که بخواند و بنویسد و آنچه تازه می یابد بر برگه ای کوچک یادداشت کند. برگه دان ها را بیاکند و هرچند یک بار از دسته ای از آن ها مقاله ای بپردازد. نوشته ای مفید و بدیع عرضه کند. نهال تشنه شوق ونامجویی را از آب نهاد خویش سرسبزی بدهد. چون به رنج و تعب و بی مدد و محبت بدین تخت بلند برآمده بود با دوستان که می نشست یله می داد و در «مبل» دراز می شد و سنگین صحبت می‌کرد. ناز بر فلک و فخر بر ستاره می‌کرد. ناچار دوستان می‌گفتند معین «عصا قورت» داده است. ولی معین به شوق علم جویی زنده بود. حیاتش آکنده بود بدین فضیلت.»

او به ثروت زبان فارسی افزود

دکتر عباس زریاب خویی در سخنرانی خود در مجلس یادبود دکتر معین که ۱۳ تیر ۱۳۵۶ در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد، او را مردی وارسته دانست که عشق به علم تمایل به مادیات را در او کشته بود: «باآنکه تندباد ماده پرستی و سودجویی و مال اندوزی سرتاسر مملکت ما را فراگرفته و اکثریت تامه مردم این سرزمین طلب مال و منال را بر کسب علم و معرفت ترجیح می نهند هنوز آثار آن سنت دیرین دانش دوستی و معرفت پرستی به کلی از میان مردم رخت برنبسته است و اگر در این جهانی که آز و طمع در آن حکمفرمای مطلق است کسانی پیدا شوند که به جای آنکه علم را خادم مال و روح را خادم بدن قرار دهند، جان و مال رافدای طلب دانش کنند، بالطبع جلب احترام می‌کنند [...] او یکی از مصادیق آن همه تعریف ها و ستایش ها و نصیحت ها است که ما در دفاتر حکمت و دواوین ادب و دانش درباره معنویات می خوانیم و متأسفانه این مصادیق روز به روز کمتر و نایاب تر می‌گردد و روزی خواهد رسید که حکم سیمرغ و کیمیا پیدا خواهد کرد. [...] به جای آنکه حاصل عمرش باغی در شمال تهران باشد خانه ای محقر در شرق تهران بود مملو از نتایج معنوی کوشش های او. این نتایج و محصولات معنوی بر ثروت زبان فارسی افزوده است و تا زبان فارسی زنده است نام محمد معین هم زنده خواهد ماند. این است نشانه‌ای از نشانه های عالم حقیقی.»

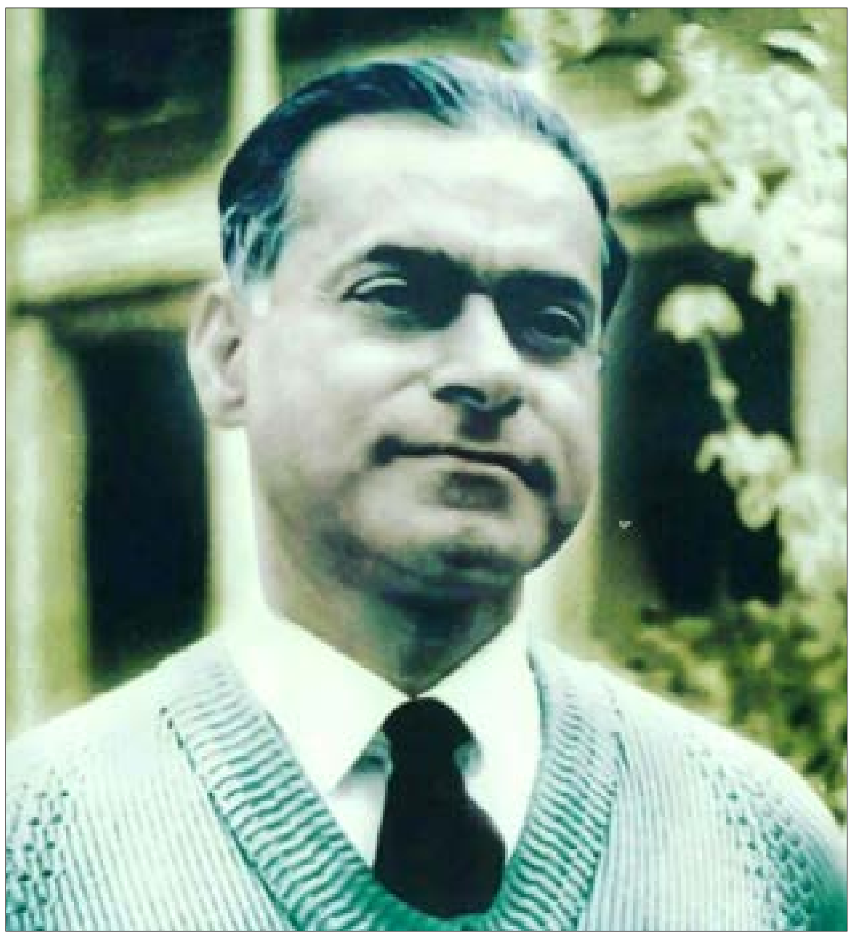

متبحر در فرهنگ باستانی ایران

دکتر عبدالحسین زرین‌کوب نیز در همین مجلس یادبود سخنرانی کرد و آنچه باعث تمایز و برجسته شدن کار دکتر معین شده را آشنایی اش با زبان های باستانی ایران دانسته و گفته است: «اما برجسته ترین کارهای دکتر معین مخصوصا در زمینه لغت شناسی و دستور بود. آنچه معین را مخصوصا در این دو زمینه توفیق بیشتری می داد غیر از استعداد و ذوق خاص، آشنایی دقیق او بود با متون و تبحر کم نظیر او بود در فرهنگ باستانی ایران. [...] معین غیر از آشنایی با ترجمه ها و تحقیقات راجع به اَوِستا خودش هم با زبان پهلوی و پارسی باستان آشنایی کافی داشت.»

تدریس متون فارسی را از صورت مبتذل بیرون آورد

دکتر ذبیح‌ا... صفا نیز در یک سخنرانی به وجه دیگری از کار دکتر معین که دقت بسیار بالای او بود، اشاره کرده است: «کار دکتر معین از چه لحاظ مهم بود و چرا ما او را به عنوان ادیبی بلند مقام و بلندمرتبه قبول داریم و از آثارش استفاده می‌کنیم؟ اهمیت کار دکتر معین در درجه اول در این است که دقیق است، در نهایت دقت؛ دقیق است به معنی واقعی کلمه و این مطلبی است که در ادبیات بسیار مهم است. [...] این «دقت» اولین وجهه اهمیت آثار دکتر معین است که باید به آن توجه کرد. اهمیت دوم در آثار معین این است که وی برای اولین مرتبه تحقیق در متون فارسی را از صورت ساده عادی که قبلا داشت یعنی اتکاء به چند لغت عربی یا فارسی معمولی، بیرون کشیده و آن را همراه کرد با اصول زبان شناسی و تحقیق در مسائل مربوط به فرهنگ ایران. یعنی متن فارسی را دکتر معین از زبان شناسی ایرانی و فرهنگ شناسی ایرانی جدا نمی دانست. بالنتیجه تدریس دکتر معین در کلاس ها و روی متون فارسی هیچ‌گاه ممکن نبود در سال از حدود چهل، پنجاه صفحه تجاوز کند بلکه من اغراق می‌کنم. چرا؟ برای اینکه دکتر معین در هر جمله‌ای روی هر کلمه‌ای می ایستاد و این مطلب مهمی است. یعنی تدریس متون فارسی را از صورت مبتذل پیش پا افتاده بیرون آورد و به صورتی تازه درآورد و این بزرگ‌ترین ابتکار اوست در کار تدریس.»

روزگار به شمار اندک، اما به ثمر بسیار

محمد معین در نهم اردیبهشت ۱۲۹۷ در رشت به دنیا آمد و در ۱۳ تیر ۱۳۵۰ و وقتی فقط ۵۳ سال داشت از دنیا رفت. دکتر سید جعفر شهیدی در سخنرانی ای در ۲۱ تیرماه ۱۳۵۰ که در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار شد، به نکته ای اشاره می‌کند که گرچه باعث عظمت محمد معین شد، سبب کاهیده شدن و مرگ او هم بود: «دکتر معین به موازات مسئولیت سنگین لغت نامه، در سال ۱۳۳۸ دست به کار دشوار دیگری زد: تألیف فرهنگ فارسی، مسئولیت او سنگین تر شد، ناچار باید بیشتر کار کند. ساعات کار خود را افزایش داد از هشت به دوازده و از دوازده به شانزده و گاهی به هجده ساعت در شبانه روز رساند، دیگر عاقبت کار معلوم بود. دوستان وی بارها تذکر می دادند که این اندازه خود را خسته نکند او این تذکرها را که خود می دانست ناشی از محبت و خیرخواهی است از جهت منطق می پذیرفت، ولی به حقیقت عاشق کار خود شده بود و هر جا عشق قدم گذارد نخست چیزی که گام بیرون می نهد منطق است، سرانجام آن روز شوم پدید شد -نهم آذرماه ۱۳۴۵- وی در اتاق گروه زبان و ادبیات فارسی هنگامی که قلم به دست گرفته تا موافقت خود را با پذیرفتن پایانه نامه تحصیلی یکی از دانشجویان دوره دکتری اعلام دارد، به زمین افتاد و افسوس که دیگر هرگز برنخاست. [...] این است زندگانی معین کمتر از ۱۰ هزار روز حیات علمی پس از پایان دوران تحصیلی و بیشتر از ۳۰ هزار صفحه تحقیق و تتبع. روزگار به شمار اندک اما به ثمر بسیار.»

پی نوشت: برای نوشتن این مطلب از کتاب مجموعه مقالات دکتر محمد معین به کوشش مهدخت معین استفاده شده است.

فرهنگ فارسی
۱ آ - خ
۲ د - ق
۳ ک - معدوم
۴ معلی - ییلاق
۵ اعلام آ - ع
۶ اعلام غ - ی

خبر

درباره کتاب ۲جلدی «انقلاب مصر» که به تازگی منتشر شده است

بهار عربی، ماجرای یک انقلاب مردمی

انقلاب مصر
جلد اول
جلد دوم

جنبش مردم مصر در روز ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ به دنبال جنبش مردمی تونس آغاز شد و در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ در پی استعفای حسنی مبارک از مقام ریاست جمهوری به پایان رسید. ۱۵ ژانویه ۲۰۱۱ زین العابدین بن علی دیکتاتور ۷۴ ساله تونس که ۲۲ سال زمام حکومت را دست داشت با شدت گرفتن اعتراض های مردمی پس از خودسوزی محمد بوعزیزی، جوان دست فروش تونسی، از این کشور گریخت و به عربستان سعودی پناهنده شد.

به گزارش ایبنا، هسته اولیه جنبش مردمی مصر را طیف های مختلف مردم و به ویژه جوانان مصری تشکیل دادند. ارتباط جوانان مصری و فراخوان برپایی تظاهرات از طریق یکی از شبکه های اجتماعی نقش بسزایی در شکل‌گیری انقلاب مصر داشت. با گذشت زمان احزاب و گروه های سازمان دهی شده نیز به مردم پیوستند. انقلاب سال ۲۰۱۱ میلادی مصر، هجده روز به طول انجامید و در این مدت بیش از ۸۰۰ معترض کشته شدند. با این همه انقلابیون توانستند به هدف خود یعنی سرنگونی حسنی مبارک برسند. سرنگونی دولت حسنی مبارک زمانی روی داد که نرخ بیکاری در این کشور بالا و هزینه های سنگین تأمین معاش، خشم عمومی را برانگیخته بود. پس از استعفا، دادستان عمومی مصر حسنی مبارک را به همراه پسرانش علاء و جمال، همچنین وزیر کشور دولتش و شش تن از مقامات ارشد پلیس، بازداشت و به اتهام دادن دستور به نیروهای امنیتی برای گشودن آتش به سمت معترضان در تظاهرات مسالمت آمیز، روانه دادگاه کرد. او در صحن دادگاه تمام این اتهامات را رد کرد.

۲۹ ژانویه مردم مطلع شدند جمال مبارک، فرزند حسنی مبارک، به همراه هواپیمایی اختصاصی و با همراه داشتن صد چمدان به انگلیس فرار کرده است. جمال مبارک ۴۸ ساله قرار بود به عنوان جانشین پدرش برای تصدی جایگاه ریاست جمهوری مصر معرفی شود. با شنیدن فرار جمال مبارک، مردم مصر به خیابان ها ریختند و با نیروهای امنیتی درگیر شدند که به دستگیری صدها نفر از معترضان منجر شد. جلد نخست «انقلاب مصر» با عنوان «مصر: از جمهوری ژوئیه تا انقلاب ژانویه» راوی این دوره زمانی است و بشاره عزمی، نویسنده آن، که مدیرکل مرکز تحقیقات و مطالعات سیاسی و عضو هیئت مدیره این مرکز عربی است، روایتی دقیق از این دوره مهم دارد. عزمی بین سال های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۶ به عنوان استاد فلسفه و مطالعات فرهنگی در دانشگاه های معتبر تدریس کرد و در تأسیس مراکزی تحقیقاتی در فلسطین از جمله «مؤسسهٔ فلسطینی مطالعات دموکراسی» مشارکت داشت.

جلد دوم این کتاب با عنوان «از انقلاب تا کودتا» راوی دوره پس از انقلاب مصر و ماجراهای بعد از آن است و نویسنده روایتی دقیق از این دوره مهم دارد. عزمی، اطلاعات این کتاب را از منابع متنوع از جمله مصاحبه هایی که به صورت جمعی یعنی با حضور شماری از فعالان و مبارزان و...انجام داده، جمع آوری کرده است.